

پول خرد ...

مدتهای مدیدی است که در کشور ما بدلیل سقوط ارزش پول ، دربرخی از خریدها از دریافت مانده پول خود محروم می شوید و فروشندگان به نفع خود معمولاً بها را گرد می کنند و بقیه را نمی پردازند .

این امر در بسیاری از جاها شایع است و مردم آنرا بعنوان یک اصل پذیرفته اند . برای بسیاری از مردم این شیوه رفتار بویژه در مواردی که بدون بیان و عذرخواهی فروشنده صورت می گیرد و وی فرض را برآن گذاشته است که بقیه پول شما را پس ندهد ، باعث القاء حس عدم اعتماد می گردد .

چند روز قبل که برای اولین بار به استانبول رفتم ، با همین موضوع روبرو شدم ، البته صابون این برادران یک بار دیگر در هلند به تنم آشنا شده بود ، ولی فکر می کردم که در کشور خودشان رفتار بهتری داشته باشند .

اما داستان هلند ...

حدود ۸ سال قبل که جهت یک دوره یک هفته ای به بیمارستانی در هلند و فرودگاه آمستردام پرواز کردم ، بنا بود که از شهر آمستردام به شهر دیگری بروم ، ولی دقیقاً فاصله را نمی دانستم و درنامه دعوت هم معلوم نبود و نوشته بودند که شما از فرودگاه یک تاکسی بگیرید و به آنجا بیایید .

تمام تصور من آن بود که این محل باید به فرودگاه خیلی نزدیک باشد . جالب است که برخلاف رسم فرودگاه های دیگر اروپایی ، دونفر بر سر راه سبز شدند و گفتند :

- تاکسی می خواهید ؟

- گفتم : بلی ، می خواهم به ... بروم .

- چقدر طول می کشد ؟

- اول آقا ابراز خوشبختی کرد که ما ایرانی هستیم و برادر او و بعد گفت :

ده دقیقه

و من هم با راننده براه افتادم ، سوار ماشین شدیم و به راه افتادیم . دیدم که راه را به بزرگراه انداخت و رفت و تاکسی متر هم شتابان عدد می انداخت .

بعد از حدود یک ساعت رانندگی با یک حساب ۱۵۰ یوروئی ما را جلوی درب هتل پیاده کرد و تازه کارتش را هم داد که برای بازگشت به او زنگ بزنیم .

تمام خون بدنم در کله ام جمع شده بود ، ولی دم برنیاوردم ، پول را دادم و حرص خوردم .

چند روز بعد فهمیدم برای این راه از فرودگاه به شهر قطار وجود دارد و تنها ۱۴ پوند هزینه هر نفر است ، به هر حال ده دقیقه آن برادر محترم تبدیل شد به ۶۰ دقیقه و کلاه گشادی که هیچگاه از خاطر نمی رود ، بر سرم ماند که ماند .

و اما داستان استانبول...

وقتی روز یکشنبه در این شهر برای تسویه حساب به پذیرش هتل رفتم ، با کمال تعجب کارمند بسیار مؤدب هتل ، پول خرد بقیه حساب را نداد و از اینکار عذرخواهی نکرد . بعد از تسویه حساب با هتل تاکسی سوار شدیم و بسمت محل نسبتاً نزدیکی به راه افتادیم . خوشبختانه تاکسی متر وجود داشت و معلوم شد که برادران کمی به عدالت نزدیک شده اند . تاکسی متر با عدد ۲/۴ شروع شد و وقتی به محل رسیدیم ، ۷/۱۲ را نشان می داد .

من یک اسکناس ۲۰ لیره ای را به راننده دادم و او فقط ده لیره پس داد و گازش را گرفت و رفت و معلوم نشد تکلیف نزدیک سه لیر که حدوداً ۱۸۰۰ تومان خودمان می شود ، چه شد ؟!

این اخلاق سخیف به هیچ وجه در کشورهای دیگری که با اینگونه برادران روبرو نیستیم ، وجود ندارد . چه در فروشگاه و چه در تاکسی تا یکصدم پول شما را پس می دهند . البته ممکن است شما خودتان از گرفتن پول خرد بقیه صرف نظر کنید که با تشکر و امتنان راننده روبرو می شوید ، ولی فروشندگان و متصدیان صندوق ها حتی یک درصد را هم از شما نمی پذیرند و حتماً می خواهند پول شما را پس بدهند . البته در همان کشورها ، زمانی که راننده از برادران باشد ، بازهم تعلل در پرداخت بقیه پول در بین آنها زیاد دیده می شود . من وقتی تعلل را می بینم به اصرار می ایستم که بقیه پولم را بگیرم ، اما اگر راننده با کمال میل بخواهد بقیه پولم را پس بدهد ، بسیاری از مواقع به او می بخشم . نمی دانم چرا در این بخش از دنیا که ما زندگی می کنیم ، رفتار اجتماعی اینچنین تعریف شده است .

من همواره به صندوق داران بیمارستان یادآوری کرده ام که حتی مقدار زیادی سکه تهیه کنند و تا ریال آخر باقیمانده پول مردم را پس بدهند . در موارد بسیاری حتی مبالغ کم اضافه دریافتی را طی چک به بیماران برمی گردانیم ، چرا که اعتماد مردم به ما بالاترین سرمایه ای است که می توانیم بدان افتخار کنیم .

خلیل علی زاده - استانبول

۱۳۸۹

فروردین